

فمینیسم انسان‌گرایی نیست

پل پرسیادو

ترجمه‌ی ژونا کامران

هانس اولریش اوبریست در یکی از «مکالمه‌های بی‌انتها»^۱ش از من خواست پرسشی اضطراری طرح کنم تا هنرمندان و جنبش‌های سیاسی به آن پاسخ دهند. من گفتم: «چطور می‌توان با حیوانات سر کرد؟ چطور می‌توان با مردگان سر کرد؟» کس دیگری پرسید: «با انسان‌گرایی چطور؟ با فمینیسم چطور؟» خانم‌ها و آقایان و دیگران: یک بار برای همیشه می‌گویم، فمینیسم انسان‌گرایی نیست. فمینیسم نوعی حیوان‌گرایی^۱ است. به عبارت دیگر، حیوان‌گرایی قسمی فمینیسم بسط‌یافته و غیرانسان‌محور است.

اولین ماشین‌های انقلاب صنعتی موتورهای بخار، دستگاه‌های چاپ یا گیوتین‌ها نبودند... بلکه اولین ماشین‌ها کار شاق در مزرعه، بیگاری جنسی و تناسلی زنان کارگر و بردگی حیوانات بودند. اولین ماشین‌های انقلاب صنعتی ماشین‌های زنده بودند. به همین خاطر انسان‌گرایی بدن دیگری ابداع کرد که *انسان* نام داشت: بدنی حاکم، سفید، سالم و بارور. بدنی لایه‌لایه و پر از اندام، سرشار از سرمایه، بدنی که کنش‌هایش زمان‌مندند و امیالش ماحصل تکنولوژی مرگ‌سیاسی میل‌اند. آزادی، برابری، برادری. حیوان‌گرایی^۲ ریشه‌های استعماری و پدرسالارِ اصول جهان‌شمول و مشهور انسان‌گرایی اروپایی را آشکار می‌کند. نظام برده‌داری و سپس نظام کار مزدی^۳ بنیان آزادی «مرد» اروپایی می‌شوند، مصادره و تکه‌تکه کردن زندگی و دانش چنان دیگر سوبیه‌ی برابری ظاهر می‌شود و جنگ، رقابت و برتری‌خواهی به‌عنوان نیروهای پیش‌برنده‌ی برادری نمود می‌یابند.

بنابراین رنسانس، روشنگری و معجزه‌ی انقلاب صنعتی هم‌بسته‌ی تقلیل بردگان و زنان به شأن حیوانات است و بر تقلیل هر سه‌ی آن‌ها (بردگان، زنان و حیوانات) به شأن ماشین‌های (باز)تولیدگر اتکا دارد. همان‌طور که سرانجام حیوانات را ماشین دانستند و با آن‌ها از این منظر رفتار کردند، ماشین‌ها نیز کم‌کم به حیواناتی تکنولوژیک بدل شدند که میان حیوانات زنده-با-تکنولوژی^۲ وجود دارند. ماشین و حیوان (مهاجران، بدن‌های دارو-هرزه‌نگارانه^۳، فرزندان دالی^۴ گوسفند^۴، مغزهای الکترودیجیتال، هوش مصنوعی) سوژه‌های سیاسی جدید حیوان‌گرایی آینده را می‌سازند. ماشین و حیوان نام‌هایی‌اند برای چیزی که ما هستیم.

1. animalism

2. techno-living

3. pharmaco-pornographic

۴. دالی (Dolly) نام اولین گوسفند همانندسازی‌شده‌ای بود که گروهی از دانشمندان اسکاتلندی آن را به دنیا آوردند. دالی ماده بود و شش سال عمر کرد. - م.

از آن جا که کل مدرنیته‌ی انسان‌گرا کاری جز تکثیر تکنولوژی‌های مرگ نکرده، حیوان‌گرایی باید ما را به شیوه‌ای جدید در سر کردن با مردگان و با سیاره چوچونان جسد و شبح ترغیب کند تا سیاست مرگ به زیباشناسی مرگ بدل شود. از این رو حیوان‌گرایی به جشن تدفین، به نوعی جشن ماتم، بدل می‌شود. حیوان‌گرایی آیین و زایشی سوگوارانه است؛ گردهمایی صمیمانه‌ی گیاهان و گل‌ها حول قربانیان تاریخ و انسان‌گرایی است. حیوان‌گرایی جدایی و وصال است. حیوان‌گرایی همه‌جنس‌خواهی جهانی کویبر و بومی است که گونه‌ها، جنس‌ها، شمنیسم تکنولوژیک^۵ و نظام ارتباط بیناگونه‌ای را تعالی می‌بخشد: همه‌ی این‌ها نظام‌های ماتم‌اند.

حیوان‌گرایی نوعی ناتوریسم نیست. حیوان‌گرایی یک نظام آیینی کامل است، یک ضدتکنولوژی که آگاهی تولید می‌کند؛ بدل شدن به شکلی از زندگی بدون هیچ‌گونه حاکمیت است، بی هیچ سلسله‌مراتب. حیوان‌گرایی قانون و اقتصاد خودش را می‌سازد. حیوان‌گرایی اخلاقیات‌باوری قراردادی نیست. حیوان‌گرایی زیباشناسی سرمایه‌داری و سلطه‌ی سرمایه‌داری بر میل را که با مصرف (کالاها، ایده‌ها، اطلاعات و بدن‌ها) محقق شده، پس می‌زند. حیوان‌گرایی نه بر مبادله استوار است، نه بر نفع فردی. حیوان‌گرایی انتقام یک دسته از دسته‌ای دیگر نیست. حیوان‌گرایی دگرجنس‌خواهی یا هم‌جنس‌خواهی یا تراجنس‌خواهی نیست. حیوان‌گرایی نه مدرن است، نه پسامدرن. بی‌شوخی تصدیق می‌کنم که حیوان‌گرایی نه اولاندگرایی است، نه سارکوزی‌گرایی، نه مارین‌لوپن‌گرایی. حیوان‌گرایی باور به سرزمین پدری^۶ یا باور به سرزمین مادری^۷ نیست. حیوان‌گرایی ناسیونالیسم یا اروپاگرایی نیست. حیوان‌گرایی کاپیتالیسم یا کمونیسم نیست. اقتصاد حیوان‌گرایی یک نظام تام مساعدت غیرآگونیستی^۸ است، همکاری‌ای مانند فتوستنتز؛ یک ارگاسم مولکولی است. حیوان‌گرایی بادی است که می‌وزد؛ شیوه‌ی است که روح جنگل اتم‌ها هنوز مچ سارقان را می‌گیرد.^۹ انسان‌ها، این کالبد‌های نقاب‌دار جنگل، باید نقاب انسان از چهره‌ی خویش بردارند و معرفت زنبوران بدانند.

الزام تغییر چنان عمیق است که به خود می‌گوییم تغییر ممکن نیست، چنان ژرفی دارد که به خود می‌گوییم تصورناپذیر است. اما ناممکن فرا می‌رسد و تصورناپذیر در راه است. کدام ناممکن‌تر و تصورناپذیرتر بود، برده‌داری یا پایان برده‌داری؟ زمانه‌ی حیوان‌گرایی موعد امور ناممکن و تصورناپذیر است. این است زمانه‌ی ما: تنها زمانی که برایمان باقی مانده.

منبع:

Paul B. Preciado, "Feminism is not Humanism" in *An Apartment in Uranus: Chronicles of the Crossing*, trans. Charlotte Mandell (Semiotexte, 2019), pp. 91-93.

5. techno-shamanism

6. patriotism

7. matrotism

8. non-agonist

۹. در روایات فولکلور جنگل محافظی دارد - روح جنگل - که آن را از فعالیت‌های شریانه‌ی انسان حفظ می‌کند و معمولاً آن را دشمن انسان تصویر می‌کنند. به همین ترتیب، در این جمله نیز منظور از «سارقان» «انسان‌ها» است که از منابع جنگل و طبیعت بی‌روبه استفاده می‌کنند. - م.